



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The
Economist

جنگ از سایه برون افتاد

حمله بامداد یک‌شنبه ایران، انتقام حمله اسرائیل به کنسول‌گری ایران در دمشق در تاریخ یک آوریل بود که به کشته شدن یک ژنرال ارشد ایرانی منجر شد. حالا نوبت اسرائیل است که تصمیم بگیرد چگونه پاسخ بدهد. اگر قرار باشد ایران بتواند بدون هیچ مجازاتی به کشورهای دیگر در خاورمیانه حمله کند، آنگاه قواعد بازی در منطقه تغییر می‌کند. تاکنون ایران برای نبرد به نیروهای نیابتی تکیه می‌کرد. اما روشن نیست اگر اسرائیل تصمیم به تلافی بگیرد امکان اجتناب از جنگ تمام‌عیار و خشم‌گین کردن آمریکا و دیگر متحدانش وجود داشته‌باشد. ایران پس از سال‌ها نبرد با اسرائیل از طریق نیروهای نیابتی، برای نخستین بار از خاک خودش اسرائیل را هدف قرار داد تا دیگر این جنگ یک «جنگ سایه» نباشد. مقام‌های ایرانی در طول دو هفته برای انتقام از حمله اسرائیل به دمشق برنامه‌ریزی کردند. آنها امیدوار بودند یک گزینه بی‌سروصدا و بدون واکنش برای رضایت افکار عمومی داخلی و بازدارندگی در مقابل اسرائیل بدون وقوع یک واکنش توسط اسرائیل انتخاب کنند. اما نهایتاً گزینه‌ای که انتخاب کردند می‌تواند یک خطای استراتژیک باشد که به منافع‌شان آسیب برساند. ایران تاکنون از جنگ شش‌ماهه اسرائیل علیه غزه منفعت برده بود. گروه‌های نیابتی ایران در سراسر منطقه قدرت‌نمایی موفقی کرده‌بودند. حزب‌الله با موشک‌باران روزمره باعث کوچ ۸۰ هزار اسرائیلی از شهرها و روستاهای نزدیک به مرزهای شمالی اسرائیل شده‌بود. حوثی‌های یمن نیز باعث اختلال در دریانوردی تجاری جهانی در دریای سرخ شده‌بودند. هم‌زمان ایران توانسته‌بود که آنتنی خود را با کشورهای عربی که علاقه‌مند بودند از منازعه دور بمانند، حفظ کند. در عین حال به نظر می‌رسید که دشمنان ایران در حال شکست خوردن هستند. اسرائیل در باتلاق غزه گرفتار شده‌بود و به نظر می‌رسید روزبه‌روز منزوی‌تر می‌شود و آمریکا هم سست‌تر به نظر می‌رسید. اما به نظر می‌رسد که حمله ایران این دستاوردها را از سه جهت تحت تأثیر قرار داده‌باشد. نخست اینکه این حمله به بازدارندگی ایران آسیب می‌زند. ایران نمی‌خواست که تلفات جمعی در اسرائیل به بار بیاورد. اگر می‌خواست چنین کاری بکند، از روزها قبل در مورد حمله سیگنال ارسال نمی‌کرد و از ساعت‌ها پیش پهپادهایش را به سمت هدف اعزام نمی‌کرد. اما این حمله کاملاً نامدین هم نبود، پرتاب حدود ۳۵۰ پهپاد و موشک رانی توان فقط یک اشاره فرض کرد. در نتیجه وقوع فقط یک جراحات و آسیب ناچیز ا به ادعای اسرائیل باعث می‌شود ایران ضعیف به نظر برسد.

دوم اینکه این حمله باعث شد غرب و کشورهای عربی در حمایت از اسرائیل به هم نزدیک‌تر شوند. آمریکا و بریتانیا خصومت روزافزون‌شان را نسبت به بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل کنار گذاشتند و از جنگنده‌ها و سامانه‌های پدافند موشکی برای رهگیری و انهدام پهپادهای ایرانی پیش از رسیدن به اسرائیل استفاده کردند. اردن هم چندین پهپاد را سرتگون کرد. اردن به دلیل حساسیت افکار عمومی تأکید کرد که این کار برای دفاع از حریم هوایی کشور بود و نه حفاظت از اسرائیل، اما در هر صورت این کار دفاع از اسرائیل بود. ممکن است کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس از جمله عربستان سعودی هم غیرمستقیم دخالت کرده‌باشند، چرا که سامانه‌های پدافند موشکی، تجسس و سوخت‌رسان هوایی کشورهای غربی در این کشورها مستقر است. سوم اینکه به‌رغم تمام پیگیری‌های ایران در مورد جنگ غزه، اکنون غزه در دستور کار جامعه جهانی اولویت خود را از دست داده‌است. تا یک هفته بخش بزرگی از جهان در برابر کشتار غیرنظامیان و تشدید گرسنگی در غزه به دلیل حمله اسرائیل به حماس در خشم نسبت به اسرائیل متحد بودند. نزدیک‌ترین متحدان اسرائیل هم از محدودیت فروش سلاح سخن می‌گفتند. اما حالا وضعیت خیلی فرق کرده‌است. الان اسرائیل می‌تواند خودش را قربانی جلوه دهد. (به‌رغم اینکه این حمله اسرائیل بود که باعث واکنش ایران شد). دیگر صحبت‌ها در مورد محدودیت فروش سلاح کناری گذاشته می‌شود و رنج مردم غزه اولویت خود را از دست می‌دهد و جنگ بزرگ‌تر منطقه‌ای در صدر مسائل منطقه قرار می‌گیرد. البته این همه‌ی تصویر نیست. در بخش‌هایی از جهان عرب ممکن است چهره ایران بهبود پیدا کند. از سال ۱۹۹۱ که صدام حسین در حین جنگ خلیج فارس با موشک اسکاد اسرائیل را هدف قرار داد، این نخستین حمله به اسرائیل توسط یک کشور دیگر است.

مقابله با کارزار قریبانی‌نمایی

چگونه دستگاه دیپلماسی ایران می‌تواند جلوی توفیق تبلیغاتی اسرائیل را بگیرد؟



عکس: reuters

را به‌عنوان نقطه آغاز منازعه تبلیغ کند، تهران باید تمام توان دیپلماتیک و تبلیغاتی خود را به کار گیرد تا نقطه آغاز تجاوز نظامی را برای همه طرف‌های بین‌المللی جا بیندازد و همواره یادآوری کند که اقدام نظامی بامداد یک‌شنبه واکنش به حمله به کنسولگری خود در دمشق، که به صورت بالفعل از لحاظ حقوقی خاک ایران تلقی می‌شود، بود.

۲ هدف مشروع: باید توجه داشت که حتی جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا نیز در بیانیه‌ای که در واکنش به حملات بامداد یک‌شنبه ایران به سرزمین‌های اشغالی نشان داد، به‌رغم تکرار موضوع «حمایت تزلزل‌ناپذیر» از اسرائیل، تصریح کرد که ایران «حمله هوایی بی‌سابقه‌ای علیه تاسیسات نظامی در اسرائیل» انجام داده‌است. این نکته به روشنی نشان می‌دهد که حتی نزدیک‌ترین متحدان اسرائیل هم متوجه این نکته شده‌اند که بر خلاف اسرائیل که «اماکن حفاظت‌شده دیپلماتیک» را هدف حمله خود قرار داد، ایران در پاسخ خود به اماکن غیرنظامی حمله نکرده‌است، یعنی علاوه بر اینکه تهران از حق مشروع برای پاسخ متناسب استفاده کرده‌است، در عین حال هدف‌های مشروعی را نیز انتخاب کرده‌است.

۳ تناسب اقدام نظامی: مسئله دیگری که ممکن است در رویه تبلیغاتی طرف مقابل برای زیر سوال بردن مشروعیت اقدام ایران مورد تأکید قرار بگیرد، تعدد تسلیحات استفاده‌شده در اقدام نظامی بامداد یک‌شنبه توسط ایران است. رسانه‌های بین‌المللی از شلیک بیش از ۳۰۰ پهپاد و موشک توسط ایران به سمت اسرائیل خبر داده‌اند. این در حالی است که پیش از این مقام‌های ایرانی از جمله سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه تصریح کرده‌بودند که حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران از ۶ موشک استفاده شده‌بود. ممکن است تصور شود که استفاده از ۳۰۰ موشک و پهپاد در واکنش به استفاده از ۶ موشک، اقدامی غیرمتناسب و واکنشی بزرگ‌تر از تخریک اولیه بوده‌است. اظهارنظرهایی از این دست را می‌شد در مصاحبه وندی شرمین، معاون پیشین وزیر خارجه آمریکا در گفت‌وگو با شبکه خبری ای‌بی‌سی آمریکا دید که گفته‌بود واکنش ایران «کاملاً نامتناسب» بود. واقعیت این است که ارزیابی تناسب واکنش نظامی براساس میزان تخریب و آسیب وارد شده به طرف مقابل انجام می‌شود و نه تعدد و میزان تسلیحات مورد استفاده در اقدام نظامی، در نتیجه اقدام ایران در شرایطی غیرمتناسب خواهد بود که تخریبی به مراتب گسترده‌تر از حمله به ساختمان کنسول‌گری ایران در دمشق به بار آورده‌باشد. ایران در کارزار اطلاع‌رسانی و دیپلماتیک خود باید بر تناسب اقدام نظامی خود تأکید کند.

منطقه پاک کند. سومین هدف اسرائیل این خواهد بود که از هرگونه عادی‌سازی روابط تهران و غرب جلوگیری کند و اجازه ندهد با بهبود روابط تهران و غرب، ایران از بند تحریم و فشار خارجی رها شود و بتواند قدرت خود را در منطقه احیا کند. هدف چهارم اسرائیل هم این است که بار دیگر با دیونمایی ایران در منطقه غرب آسیا، بتواند روند متوقف‌شده‌ی عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی را از سر بگیرد و با نشان دادن عبور تسلیحات نظامی ایران از آسمان کشورهای عربی، این کشورها را قانع کند که خطر اصلی برای آنها، ایران است و نه اسرائیل. جمهوری اسلامی ایران باید برنامه‌ریزی دقیقی انجام دهد تا جلوی توفیق اسرائیل را در این اهداف بگیرد.

هرچند سرلشکر باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ایران در مصاحبه با صداوسیما تأکید کرد: «ما این عملیات را منتج به نتیجه کامل می‌بینیم و قصدی بر ادامه عملیات وجود ندارد» اما این اظهارات فقط جنبه نظامی عملیات تلافی جویانه ایران را علیه اسرائیل مورد توجه قرار می‌دهد. توفیق عملیات بامداد یک‌شنبه تنها با استمرار پایدار و برنامه‌ریزی شده آن در جبهه دیپلماتیک و رسانه‌ای میسر خواهد شد.

تهران باید برای حفظ برتری اخلاقی خود در منازعه جاری تمام تلاش‌های ممکن را انجام دهد و اجازه ندهد که دولت اسرائیل با بازگرداندن میز بازی، ایران را به‌عنوان عامل منازعه و ناآرامی در منطقه معرفی کند. این امر تنها از طریق کارزار هماهنگ‌شده دیپلماتیک و رسانه‌ای و بسیج دیپلمات‌های ایرانی برای تماس و گفت‌وگو با دوستان، شرکا و هم‌تایان بین‌المللی ایران ممکن می‌شود. دستگاه سیاست خارجی ایران باید تلاش کند دست‌کم در پنج زمینه افکار عمومی، نهادهای بین‌المللی و کشورهای جهان را قانع کند.

۱ واکنش مشروع: تهران باید همچنان بر حق دفاع مشروع خود براساس ماده ۵۱ منشور ملل متحد تأکید کند. دفاع مشروع یک اصل پذیرفته‌شده در حقوق بین‌المللی است که براساس آن تنها نوع اقدام نظامی مشروع براساس حقوق بین‌الملل، شرایطی است که کشوری پس از تجاوز نظامی طرفی دیگر، به آن تجاوز نظامی پاسخ نظامی متناسب و هم‌وزن نشان دهد. تهران پیش از حمله بامداد یک‌شنبه، استدلال حقوقی خود در مورد هدف قرار گرفتن اماکن دیپلماتیک خود را در سوریه، به‌عنوان حمله به خاک ایران به صورت نامه رسمی در اختیار شورای امنیت سازمان ملل متحد قرار داده‌است. اما این استدلال حقوقی پایان کار نیست، استمرار تأکید بر حق ایران برای دفاع مشروع، لازمه جلوگیری از توفیق کارزار تبلیغاتی اسرائیل برای قربانی‌نمایی است. اسرائیل تلاش خواهد کرد که حمله بامداد یک‌شنبه



شهاب شهبازی

خبرنگار گروه دیپلماسی

بعد از پایان گرفتن اقدام نظامی تهران در واکنش به حمله اسرائیل به کنسول‌گری ایران در دمشق، برای جلوگیری از توفیق طرف مقابل برای تحت فشار قرار دادن ایران و تبدیل کردن این اقدامی به یک شکست برای تهران، باید فاز دوم این عملیات در قالب یک کارزار دیپلماتیک و رسانه‌ای آغاز شود. رژیم اسرائیل بر مبنای استراتژی بنیادین صهیونیسم سیاسی مدرن تاسیس شده‌است که خود را میراث‌دار تمامی رنج‌های سه‌هزارساله مردم یهود می‌داند. به‌کارگیری تاریخ رنج یهودیان به‌عنوان ابزار سیاسی برای توجیه اشغال و تجاوزگری در هفت دهه گذشته به بنیادهای ترین استراتژی حفظ موجودیت و جلب حمایت بین‌المللی برای حاکمیت اسرائیل تبدیل شده‌است. اسرائیلی‌ها موجودیت «کشور یهود» را بر مبنای قربانی شدن در اخراج از سرزمین مادری و قربانی شدن در جنگ جهانی دوم بنیان‌نهادند و سپس از آن نیز با تأکید بر قربانی شدن در جنگ ۱۹۴۸ با اعراب، سرکوب، نسل‌کشی، کوچ اجباری و اشغال‌گری گسترده در سرزمین فلسطین را تشدید کردند. اسرائیلی‌ها هرگز عاملیت خود را در منازعات منطقه نپذیرفته‌اند و با تصویرسازی از خود به‌عنوان قربانی تجاوز دیگران و مظلوم‌نمایی به جلب حمایت بین‌المللی پرداخته‌اند. چه در جنگ‌های ۱۹۴۸، ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و چه در جنگ جاری غزه، رژیم اسرائیل به‌رغم سابقه تمامی اقداماتش که به این وقایع منجر شد، خود را قربانی حملات دیگران توصیف می‌کند و اقدامات خود را واکنشی طبیعی به آنچه اعراب انجام داده‌اند، توصیف می‌کند.

تردیدی نیست که پس از عملیات بامداد یک‌شنبه ایران نیز اسرائیل بار دیگر کارزار مظلوم‌نمایی و تصویرسازی از خود به‌عنوان قربانی را در جامعه جهانی آغاز کند. اسرائیل در این کارزار چندین هدف را هم‌زمان دنبال می‌کند. نخستین هدف اسرائیل این است که بعد از افزایش شدید انتقادهای بین‌المللی از عملکرد این رژیم در جنگ غزه، بتواند بار دیگر با مظلوم‌نمایی در قبال ایران متحدان گذشته را پشت خود بسیج کند و توجه‌ها را از جنایاتش در جنگ غزه منحرف کند. دومین هدف این است که با تصویرسازی از ایران به‌عنوان «متجاوز بدون محرک قبلی»، تهران را عامل بی‌ثباتی، ناامنی و تنش در منطقه معرفی کند و سابقه ۶ ماهه تنش آفرینی و جنگ‌افروزی خود را در